



درس خارج اصول استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: امارات و ظنون
موضوع جزئی: مقدمه دوم: امکان تعبد به ظن - دلیل محقق خراسانی بر امکان - اشکال
بعضی از بزرگان به محقق خراسانی - حق در مسئله
سال پانزدهم
تاریخ: ۵ دی ۱۴۰۲
مصادف با: ۱۲ جمادی الثانی ۱۴۴۵
جلسه: ۵۲

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهیرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

خلاصه جلسه گذشته

بحث در مقدمه دوم از مقدمات سه گانه بود. یعنی امکان تعبد به ظن. بعد از اینکه معلوم شد امکان در اینجا به معنای امکان وقوعی است، بحث در دلیل بر این مطلب بود؟

مشهور گفتند که ما یقین و قطع داریم که از تعبد به ظن هیچ محال و تالی فاسدی لازم نمی آید.

شیخ انصاری به مشهور اشکال کردند؛ محصل اشکال شیخ انصاری به مشهور این بود که ادعای قطع مبتنی بر احاطه بر همه جهات حسن و قبح یک شیء است. وقتی می گوییم یقین داریم هیچ تالی فاسدی به دنبال ندارد، ابتدا ما باید یک احاطه جامعی داشته باشیم و آنگاه چنین ادعایی را مطرح کنیم. لذا بهتر است بگوییم ما دلیلی پیدا نکردیم که از تعبد به ظن محالی لازم بیاید. چیزی که این مطلب را برساند ما پیدا نکردیم و در مواقعی که شک در امکان باشد عقلاء بنائشان بر این است که آن را ممکن می دانند. اصل متبع در موارد شک در امکان عند العقلاء امکان است. آنها بنائشان را بر امکان می گذارند.

محقق خراسانی اشکالاتی را به شیخ انصاری وارد کردند. دو اشکال مطرح شد. اما در مورد اشکال سوم اختلاف صورت گرفته که آیا آنچه که محقق خراسانی فرمودند در واقع اشکال سوم به شیخ انصاری است یا این مدعای خودشان است؟ گفتیم بهتر است ببینیم از عبارات محقق خراسانی چه چیزی استفاده می شود؟ اشکال اول و دوم به وضوح از عبارات کفایه قابل استفاده بود.

اشکال اول اینکه اساساً صغرای این سیره و بنا عقلاء ثابت نیست و ما اصلاً چنین سیره ای را در بین عقلاء نمی توانیم احراز کنیم که در موارد شک در امکان و عدم دلیل بر استحاله بنا را بر امکان بگذارند.

اشکال دوم نیز این بود که بر فرض چنین سیره ای باشد ما دلیلی بر اعتبار آن نداریم و ظن بر وجود این سیره نیز کفایت نمی کند زیرا ما اساساً در مورد اعتبار خود این ظن بحث می کنیم. اما اشکال سوم به نظر می رسد اشکال بر شیخ انصاری نیست بلکه مطلبی است که خود محقق خراسانی فرموده است.

دلیل محقق خراسانی بر امکان

مطلب دیگر این بود که ما اساساً ثمره عملی و مهمی در نزاع در امکان و استحاله نمی بینیم. آنچه که در فقه برای ما اهمیت دارد یک ثمره و نتیجه عملی است، حال بر فرض هم ثابت شود که تعبد به ظن امکان وقوعی دارد، این ثمره ای بر آن مترتب نمی شود زیرا هر چیزی که امکان وقوعی داشته باشد لزوماً در خارج نیز وقوع پیدا نکرده است. بعد ایشان می گوید ادل دلیل علی امکان

شیء وقوعه؛ بهترین دلیل بر امکان یک چیزی وقوع آن است، وقتی واقع شده است امکانش نیز قطعاً ثابت می‌شود. این در عبارت محقق خراسانی وجود دارد که در جلسه قبل عبارت ایشان را خواندیم.

اما آیا این اشکال به شیخ انصاری است یا اینکه خود محقق خراسانی بعد از آن دو اشکالی به شیخ انصاری کردند موضع خودشان را اعلام می‌کند که دلیل مشهور کافی نیست، آنچه که شیخ انصاری در اشکال به مشهور مطرح کردند مبتلا به این ایرادات است و لذا باید یک راه دیگری طی کرد برای اثبات امکان و آن هم وقوع التعبد بالامارات است. ادل دلیل علی امکان الشیء وقوعه؛ خب ما می‌بینیم که حجیت برای امارات غیر علمیه در خارج و محیط شرع جعل شده است و همین نشان دهنده آن است که جعل حجیت برای امارات غیر علمی هم امکان ذاتی دارد و هم امکان وقوعی دارد. زیرا اگر چیزی امکان ذاتی نداشته باشد قطعاً در خارج تحقق پیدا نمی‌کند و اگر امکان وقوعی هم نداشته باشد باز در خارج تحقق پیدا نمی‌کند همین که یک چیزی در عالم واقعیت تحقق پیدا می‌کند حاکی از آن است که هم امکان ذاتی دارد و هم امکان وقوعی.

این مطلب به نظر می‌رسد دیگر به عنوان یک اشکال بر شیخ انصاری نیست. اشکال شیخ انصاری همان بود که متوجه سیره شد. ایشان یک اشکال صغروی کرد و یک اشکال کبروی. گفتند اولاً ما چنین سیره‌ای نداریم و ثانیاً اگر هم داشته باشیم حجیت ندارد. شیخ انصاری فرمود عقلاء سیره‌شان بر این است که در صورت شک در امکان بنا را بر امکان می‌گذارند این هم صغرویا و هم کبرویا محل اشکال است. اینجا سخن محقق خراسانی تمام می‌شود و بعد شروع می‌کند به بیان همان مطلب خودشان که «لکن دلیل وقوع التعبد بها من طرق إثبات إمكانه؛ حیث یستکشف به عدم ترتب محال - من تال باطل، فیمتنع مطلقاً، أو علی الحکیم تعالی - فلا حاجه معه - فی دعوی الوقوع - إلی إثبات الإمكان، وبدونه لا فائده فی إثباته، کما هو واضح. وقد انقح بذلک: ما فی دعوی شیخنا العلامه - أعلی الله مقامه - من کون الإمكان عند العقلاء - مع احتمال الامتناع - أصلاً» لذا محقق خراسانی اینجا موضع خودش را می‌گوید که بهترین دلیل بر امکان وقوع آن در خارج است. به علاوه اینکه بحث از امکان وقوعی اینجا برای ما کارایی و فایده ندارد. پس این دیگر اشکال سوم نیست و اصل بیان محقق خراسانی و اعلام موضع ایشان است.

اشکال بعضی از بزرگان به محقق خراسانی

بعضی از بزرگان گفته‌اند آنچه که محقق خراسانی از کلام شیخ انصاری استظهار کرده است محتمل است به این صورت باشد که گویا عقلاء در مورد تعبد به ظن دو بنا و دو سیره دارند:

۱. بنا و سیره بر امکان تعبد به ظن که از صریح عبارت شیخ انصاری معلوم بود.
۲. بنای عقلاء بر تعبد و حجیت ظن. کأنه شیخ انصاری دو سیره ادعا کرده است و گفته است که عقلاء دو سیره دارند یک بنائشان در موارد شک در امکان است که اصل را بر امکان می‌گذارند. بنای دوم این است که در مورد ظنون بنائشان بر اعتبار و حجیت است و به ظنون ترتیب اثر می‌دهند. سپس محقق خراسانی کأنه به شیخ انصاری اشکال کرده است که اگر ثابت شود که عقلا بنا بر تعبد به ظن دارند، دیگر نیازی نیست به اثبات بنای آنها بر امکان زیرا این یک قدم جلوتر است اما اگر بنای ایشان بر حجیت ثابت نشود، بنا بر امکان چه فایده ای دارد؟ زیرا مهم این است که بنای عقلاء بر تعبد ثابت شود.

پس یک احتمال در کلام شیخ انصاری این است که شیخ انصاری دو سیره را ادعا می‌کند. یکی اینکه عقلاء در شک امکان تعبد به ظن بنایشان بر امکان است یعنی امکان را قبول می‌کنند، هر جا شک داشته باشند در امکان چیزی، بنا را بر امکان می‌گذارند، خب در تعبد به ظن نیز اگر شک در امکان آن داشته باشند بنا را بر امکان می‌گذارند. یک بنای دیگر نیز عقلاء دارند و آن هم بنا گذاشتن بر حجیت ظن و تعبد بر ظن، اینجا دیگر بحث امکان نیست، سیره عقلاء در عمل به ترتیب اثر دادن به ظن است. بنابراین آنچه محقق خراسانی در ادامه گفته است اشکال به شیخ انصاری محسوب می‌شود. اینکه فرمود اگر بنای عقلاء بر تعبد بر ظن ثابت شود، دیگر ما به بنای عقلاء بر امکان کاری نداریم.

اگر هم بنای عقلاء بر حجیت ثابت نشود و ما نتوانیم بفهمیم که عقلاء تعبد به ظن را حجت می‌دانند یا خیر، دیگر اینکه بنای بر امکان داشته باشند یا نداشته باشند اهمیتی ندارد زیرا اصل این است که تعبد به ظن واقع شده است؛ پس این اشکال مبتنی بر این است که بگوییم ما دو بنا داریم.

اما یک احتمال دیگر اینجا وجود دارد و آن این است که اساساً شیخ انصاری نمی‌خواهد بگوید که عقلاء اینجا دو بنا و دو سیره دارند، بلکه می‌خواهد بگوید اگر ما دلیل قطعی بر تعبد داشتیم، یک دلیلی پیدا کردیم که شارع ما را متعبد به ظن کرده بود آنگاه حرف درست است. ما می‌بینیم که به ظن ترتیب اثر می‌دهند و آثار حجیت را بار می‌کنند و اگر این منظور باشد حرف شیخ انصاری درست است و اشکالی متوجه او نیست.

عبارت ایشان این است «و بذلک لا یرد علیه اشکال صاحب الکفایه بوجهیه» اشکال محقق خراسانی به شیخ انصاری بنابر هر دو وجه وارد نیست، چه بگوییم شیخ انصاری از دو بنا عقلاء حرف می‌زند و چه بگوییم از یک بنا و سیره عقلاء حرف می‌زند. پس این دو اشکال به نظر ایشان بر شیخ انصاری وارد نیست. البته این غیر از آن مطلب سوم است که گفتیم ظاهرش آن است که مطلب مستقلی را محقق خراسانی می‌گوید و این اشکال بر شیخ انصاری محسوب نمی‌شود.

سوال:

استاد: نه اصلاً عبارت را خواندیم، اولاً دو تا بودن خیلی معلوم نیست. در رسائل موجود است. عبارت محقق خراسانی «ولیس الإمكان بهذا المعنى، بل مطلقاً أصلاً متبَعاً عند العقلاء فى مقام احتمال ما يقابله من الامتناع و لیس الإمكان بهذا المعنى، بل مطلقاً أصلاً متبَعاً عند العقلاء لمنع كون سيرتهم على ترتيب آثار الإمكان عند الشك فيه ومنع حجيتها - لو سلم ثبوتها - لعدم قيام دليل قطعى على اعتبارها» امکان یک اصل متبع عند العقلاء نیست. اصلاً معنا ندارد بگوییم که بنای عقلاء در فرض شک در امکان آثار امکان را ثابت می‌کند. ببینید اینجا عبارت ناظر به چیست؟ یعنی سیره و بنای عقلاء بر امکان تعبد به ظن. در ادامه که گفته‌اند «ومنع حجيتها - لو سلم ثبوتها - لعدم قيام دليل قطعى على اعتبارها» وقتی می‌گوید و منع حجيتها لو سلم ثبوتها، دارد اشکال صغروی می‌کند، می‌گویند اصل این سیره برای ما ثابت نیست و بر فرض هم که ثابت باشد منع حجيتها، این سیره حجیت ندارد. پس اصلاً بحث در امکان است. لعدم قيام دليل قطعى على اعتبارها، دليل قطعى بر اعتبار این سیره نداریم، این نیز اشکال کبروی است، اول می‌گوید لو سلم ثبوتها بعد نیز می‌گویند ما دليل بر اعتبار همین سیره نداریم، یعنی السيرة على الامكان و البناء على الامكان عند الشك فى الامكان، دیگر اینکه بگوییم ایشان دو سیره را ادعا می‌کند، نه؛ یک سیره را گفته است که همان امکان تعبد به ظن است.

سوال:

استاد: گفتیم امام خمینی هم امکان عقلی را به همین معنا گرفتند، یعنی احتمالش وجود دارد. اینجا نیز همینطور است. اینجا شیخ انصاری می‌گویند ما یک سیره عقلایی بر امکان در صورت شک در امکان داریم، این را رسماً گفتند. ما سر این بحث می‌کنیم.

حق در مسئله

صحت سر این بود که این اشکالات به شیخ انصاری وارد است یا خیر؟ به نظر می‌رسد آنچه بعضی از بزرگان گفتند در اشکال به محقق خراسانی وارد نیست.

شیخ انصاری گفتند که سیره عقلاء و بنای عقلاء در شک بین امکان و عدم امکان بر امکان استوار است یعنی آن را ممکن می‌دانند؛ این چه سیره عملیه‌ای است؟ چه شاهدهی دارد؟ ما امکان را نفی نمی‌کنیم ولی اینکه این سیره وجود دارد و ما خواهیم این را مستند قرار دهیم، نه چنین چیزی نیست محقق خراسانی هم اشکال صغروی کردند هم اشکال کبروی، و هر دو ظاهراً وارد است. دلیل محقق خراسانی بر امکان وقوعی نیز ذکر شد و علی‌الظاهر مشکلی در این نیست.

بحث جلسه آینده

اینجا محقق نایینی اشکالی به شیخ انصاری کردند که البته بر اساس همان مطلبی است که اشاره کردیم، امکان تشریحی که ایشان گفته است از همین کلام ایشان اخذ شده است.

«والحمد لله رب العالمین»